

خاطره در سپهر اندیشه

✖ زهرا کریمی
نویسنده و پژوهشگر

تاریخ‌نگاری شفاهی» به عنوان روشی نوین در عرصه جمع‌آوری، نگهداری و ساماندهی منابع شفاهی در ایران نهادینه نشده است. انبوهی از خاطرات ثبت نشده و سنت‌های فراموش شده، به همراه غنای فرهنگی این مرزوبوم، ضرورت توسعه و گسترش و ساماندهی آن را پدیدار می‌کند. پس، تاریخ شفاهی به عنوان یکی از ابزارهای مهم جمع‌آوری، حفظ و نگهداری اطلاعات، به ویژه از راه مصاحبه‌های صوتی و تصویری، مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرد. بنابر این مهم، و با توجه به نوپا بودن بحث «تاریخ شفاهی» در جهان و ایران، انتشار منابع و مآخذ کاربردی در این حوزه اهمیت بسیار می‌یابد.

تاریخ شفاهی و ایجاد آرشیوهای شفاهی در ایران پدیده‌ای نوظهور است که از اوایل دهه هفتاد متداول شده است. در ایران با توجه به سوابق تاریخ اسلام و آنچه بعدها در ایران صورت پذیرفت، تاریخ روایی و نقلی بسیار اهمیت داشت. مورخان جدید نیز به‌رغم نقدهایی که به تاریخ‌نگاری گذشته داشتند، خود را از به‌کارگیری این شیوه بی‌نیاز ندانستند – البته مشکل آن‌ها دسترسی نداشتن به شیوه‌ها و فناوری‌های تاریخ‌نگاری به کار گرفته شده در اروپا و آمریکا بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسساتی مانند «مرکز اسناد انقلاب اسلامی»، «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران»، «بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی»، «کتابخانه و سازمان اسناد ملی ایران»، «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» و «بنیاد تنظیم و نشر آثار شهید بهشتی» به صورت گسترده و محدود به تاریخ‌نگاری شفاهی روی آوردند. افزون بر این مراکز داخلی، مراکزی نیز در خارج از کشور با موضوع ایران به کار تاریخ شفاهی می‌پردازند. به طور نمونه، طرح تاریخ شفاهی ایران معاصر در دانشگاه هاروارد آمریکا به کوشش حبیب لاجوردی و نیز شبکه بی‌بی‌سی شکل گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رویکرد به تاریخ شفاهی به عنوان یک شیوه پژوهشی مورد توجه قرار گرفت.

تاریخ شفاهی ایران از آن جهت با مسائل اساسی مواجه است که جامعه ایران قابلیت مطالعه تاریخ شفاهی را دارد، بعد از شهریور ۲۰ که حکومت پهلوی دوم روی کارآمد در درون جامعه ایران شاهد فعالیت احزاب مختلف، جنبش‌های

متفاوت، روزنامه‌ها، تشکله‌ها و تحولات گوناگونی هستیم. پس از آن با جریان کودتای ۲۸ مرداد، تاریخ شفاهی ایران وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود و تشکیلات نظامی- انتظامی (ساواک، گارد دانشگاه و...) و وقایعی که منجر به انقلاب شدند به خصوص نقش روحانیت و غیره زمینه‌های مهمی برای تدوین تاریخ شفاهی ایران فراهم می‌آورند. اما جریان انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطفی در پژوهش‌های شفاهی مطرح می‌باشد؛ زیرا در درون انقلاب ما شاهد فعال شدن بسیاری از نهادهای دولتی و مردمی هستیم و در نهایت مسأله هشت سال جنگ عراق علیه ایران موضوعات متنوعی از تاریخ شفاهی را در اختیار محققان این بخش قرار داده است.

در مجموع اهمیت تاریخ شفاهی به این جهت است؛ به واسطه اینکه افرادی که در جریان یک حادثه بوده‌اند به نقل رویدادها و خاطرات می‌پردازند، لذا گفته‌های افراد همسو و تکمیل کننده اسناد می‌باشند که می‌توان از آن به عنوان منابع دست اول یاد کرد.

از سوی دیگر، تاریخ شفاهی مقدمه‌ای است بر تاریخ مکتوب از آن جهت که مورخ با صحنه سازان یک جریان تاریخی مواجه است؛ با افرادی که در بطن یک حادثه بوده‌اند و شاهدان اصلی وقایع تاریخی‌اند.

برخی از جامعه شناسان و تحلیل گران تاریخ معاصر ایران بر این باورند که «مدرنیته» در ایران سرنوشت غریبی پیدا کرده است؛ به این معنا که؛ مفهوم و به خصوص کارکرد مدرنیسم و مدرنیته به مجرد ورود به ایران دگرگونی اساسی پیدا کرده و به یک معنا دچار نوعی استحاله شده است. چه موافق این نظر باشیم یا مخالف آن، در مورد پدیده مدرنی چون «تاریخ شفاهی در ایران» این تئوری مصداق کامل دارد.

می دانیم که تاریخ شفاهی در مغرب زمین و در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، در واکنش به «تاریخ رسمی مکتوب» به وجود آمد. به این معنا که برخی از روشنفکران و گروه‌های متمایل به چپ در آمریکا و اروپا، برای هر چه مردمی‌تر کردن تاریخ نگاری نوین و رساندن صداها یی که هرگز به گوش طبقات فرادست اجتماع و مراکز تاریخ نگاری رسمی نرسیده بود، کوشیدند تا با استفاده از تکنولوژی جدید «ضبط صوت» در کنار تاریخ رسمی و مکتوب، تاریخ شفاهی اقشاری را که تا آن زمان در تاریخ‌های مکتوب رسمی نقشی نداشتند ثبت و ضبط کنند. اقشاری چون زنان، رنگین‌پوست‌ها، اقلیت‌های قومی و دینی و مذهبی و خرده فرهنگ‌های مطرود و به نوعی تابو شده‌ای چون روسپی‌ها، همجنس‌گراها، مهاجران و حتی بزه‌کاران.

البته به دلیل پتانسیل بسیار قوی این شیوه نو در تاریخ نگاری،

تاریخ شفاهی منحصر به افشار و خرده فرهنگ‌های یاد شده باقی نماند و ظرف کمتر از چند دهه، به یکی از ابزارهای اصلی پژوهش در تقریباً همه رشته‌های علوم انسانی و حتی علوم تجربی مبدل شد. اما تولد و تکامل تاریخ شفاهی در ایران قصه پر غصه دیگری دارد. اگر چه در دوران حکومت پهلوی دوم در ایران به طور اتفاقی چند مورد ثبت تاریخ شفاهی در اوایل دهه چهل شمسی انجام شد، که شاید یکی از مهم‌ترین آنها خاطرات شفاهی سید ضیاء الدین طباطبایی از کودتای سوم اسفند 1299 شمسی بود، اما به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تاریخ شفاهی مورد توجه جدی برخی محافل و حتی توده مردم قرار گرفت. به خصوص در جامعه‌ای چون ایران که از سنت و فرهنگ شفاهی بسیار قوی‌ای برخوردار بود و کمتر کسی از مردم عادی گرفته تا نخبگان و رجال سیاسی، تمایلی به نوشتن داشتند.

نوار کاست و تکنولوژی شنیداری چون ضبط صوت، چنان نقش پررنگی در انقلاب اسلامی ایران داشت که پاره‌ای از مورخان انقلاب در مغرب زمین، انقلاب ایران را «انقلاب با نوار کاست» نامیدند. تقریباً همه سخنرانی‌های کسانی چون آیت‌الله خمینی و دکتر علی شریعتی از طریق نوار کاست، در سرتاسر ایران بخش و پراکنده می‌شد. در اغلب راهپیمایی‌ها و تظاهرات نیز مردم برای ضبط سخنرانی‌های افشاگرایانه و شعارهای انقلابی، با خود ضبط صوت حمل می‌کردند. به همین دلیل هم نوار کاست و ضبط صوت یکی از ابزارهای تکنولوژیکی اصلی در بسط پیام انقلاب اسلامی و روند تکاملی آن بود.

نکته بسیار مهمی که تا کنون مورد توجه مورخان تاریخ شفاهی در ایران قرار نگرفته این است که، تقریباً هم زمان با ماه‌های آغازین انقلاب اسلامی، والیته قبل از پیروزی بهمن 1357، «تاریخ شفاهی» به شکل اولیه و جنینی آن در ایران شکل گرفت. بسیاری از مردم، سخنرانی‌های روحانیون و دیگر انقلابیون را ضبط می‌کردند، همچنین برخی زندانیان سیاسی که تازه از زندان آزاد شده بودند، خاطرات شفاهی سال‌های زندان و شکنجه‌هایی را که تحمل کرده بودند، برای دوستان و آشنایانشان و یا برای مردم مشتاق در مساجد و محله‌های تجمع، روایت می‌کردند. برخی از این خاطرات شفاهی روی نوار کاست ضبط می‌شد و بعدها به کتاب تبدیل شد. شاید یکی از اولین خاطرات و تاریخ‌های شفاهی که به همین شیوه به وجود آمد، خاطرات شفاهی شهید مهدی عراقی، یکی از پایه گذاران هیئت‌های مؤتلفه اسلامی بود، که در چهارم شهریور ماه سال 1358 به دست گروه تروریستی «فرقان» ترور شد و جان خود را از دست داد.

حاج مهدی عراقی در گرماگرم انقلاب اسلامی برای دیدار با آیت‌الله خمینی در آبان ماه 1357 از تهران به پاریس رفت. در خلال اقامت در

فرانسه، جمعی از اعضای مشتاق «انجمن اسلامی دانشجویان پاریس» از وی خواستند تا خاطرات سیاسیش را از دوران مبارزه و سالهای زندان روایت کند. مهدی عراقی نیز پذیرفت و در چند جلسه خاطرات خود را از دوران پس از شهریور 1320 و سقوط رضاشاه پهلوی از قدرت، برای جمع کوچکی از دانشجویان ایرانی مقیم پاریس روایت کرد. البته به دلایلی این خاطرات ناتمام ماند. حاج مهدی عراقی هیچگاه فرصت بیان همه خاطراتش را پیدا نکرد. این خاطرات شفاهی نزدیک سیزده سال روی نوار کاست ماند، تا سرانجام در سال 1370 در قالب کتابی به عنوان «ناگفته‌ها» در ایران چاپ و منتشر شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و فرار چهره‌های سیاسی و نظامی رژیم پهلوی از ایران به غرب، پروژه «تاریخ شفاهی ایران» به مباشرت دانشگاه هاروارد کلید خورد. با ده‌ها شخصیت کلیدی یا مهم عصر پهلوی مصاحبه شفاهی شد و آن‌ها خاطرات خودشان را روایت کردند. نکته بسیار مهم ولی مورد غفلت قرار گرفته در این طرح این بود که به دلیل دید نخبه‌گرایانه‌ای که بر کل پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد حاکم بود، دست اندرکاران این طرح فقط به سراغ رجال و چهره‌های سیاسی و نخبگان عصر پهلوی رفتند؛ حال آن که فلسفه اصلی تاریخ شفاهی در آغاز تولدش در مغرب زمین، رویکردی متفاوت داشت. رویکردی که می‌بایست به سراغ اقشار و افرادی رفت که صدایشان در تاریخ‌های رسمی شنیده نمی‌شود، یعنی توده مردمی که انقلاب کردند. همین دید نخبه‌گرایانه در پروژه «تاریخ انقلاب ایران» به روایت B.B.C. نیز قابل مشاهده است. آن‌ها نیز صرفاً به سراغ نخبگان و بازیگران سیاسی و نظامی رفتند و در روایت تاریخ شفاهی خود از انقلاب، باز توده مردم را فراموش کردند و به سراغشان نرفتند.

در داخل ایران نیز در مورد انقلاب اسلامی چنین اتفاقی افتاد. یعنی برخی از مراکز دولتی و پاره‌ای از نشریات وابسته به دولت، از نیمه اول دهه شصت شمسی شروع به ضبط خاطرات شفاهی «چهره‌های مهم» و مؤثر در انقلاب کردند. در این راستا و در بیست سال اخیر، ده‌ها جلد کتاب از خاطرات اشخاص «برجسته»، به خصوص روحانیون و مذهبی‌ها در ایران، منتشر شد، اما هرگز نهاد یا موسسه‌ای به سراغ «توده مردم»، یعنی صاحبان و بانیان اصلی انقلاب، نرفت.

اما تاریخ شفاهی جنگ هشت ساله ایران و عراق قصه پیچیده دیگری دارد. تقریباً چند ماه پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در 31 شهریور ماه 1359، تاریخ شفاهی جنگ، به طور کاملاً خود جوش و مردمی، متولد شد. رزمندگانی که به جبهه رفته و در عملیات دفاع از آبادان و خرمشهر شرکت کرده بودند، پس از بازگشت به خانه، خاطرات شفاهی خود را برای رادیو و تلویزیون، خانواده، اقوام و دوستان

روایت می‌کردند. برخی از این خاطرات روی نوار کاست ضبط می‌شد. بعضی نیز در مطبوعات منتشر شد. همچنین برخی از رزمندگانی که دارای خودآگاهی تاریخی بودند، در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، دیده‌های خود را روی نوار ضبط می‌کردند. یکی از پیشگامان این راه، شهید بهروز مرادی بود. آن شهید عادت داشت علاوه بر یادداشت روزانه مشاهدات و خاطراتش، خاطرات شفاهی خودش را نیز روی نوار ضبط کند. چندین نوار از ایشان موجود است که وی در آن‌ها خاطرات و مشاهدات خود را از جنگ روایت کرده است. خاطرات بهروز مرادی از مقاومت در خرمشهر و عملیات شکست حصرآبادان، از آن جمله است.

زنان نیز از همان آغاز جنگ در زمینه تاریخ شفاهی، همگام با مردها پیشگام بودند و در قالب تاریخ شفاهی مصاحبه‌هایی انجام دادند. همچنین در چند ماه اول جنگ، «رادیو نفت آبادان» نیز گام‌هایی در این زمینه برداشت که متأسفانه تا امروز این تلاش‌ها مورد غفلت مورخانی که مشغول پژوهش در باب تاریخچه شفاهی جنگ در ایران هستند، قرار گرفته است.

اما بزرگترین واقعه در پروژه تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به وجود آمد. با ادامه جنگ، تقریباً از سال 1361 در واحد تبلیغات سپاه پاسداران در تهران، جمعی از افراد به طور خود جوش به فکر ضبط خاطرات شفاهی رزمندگان بسیجی و پاسدار شرکت کننده در جنگ افتادند. در همین راستا تشکیلاتی به وجود آمد و عده‌ای پس از آموزش‌های مختصری، راهی پادگان‌های نظامی و جبهه‌های نبرد شدند. پس از جنگ تحمیلی نیز، در سپاه پاسداران روند ضبط خاطرات شفاهی رزمندگان ادامه پیدا کرد.

در این طرح، هزاران ساعت خاطره شفاهی از جنگ و عملیات‌های مختلف روی نوار کاست ضبط شد. البته این طرح به دلیل نا آشنایی دست اندرکاران اولیه با اصول تاریخ شفاهی، دچار اشکالاتی بود که مهم‌ترین آنها عدم شناسایی افراد خاطره‌گو بود. به این ترتیب که بسیاری از افراد به دلیل باورهای خاصی که داشتند، مثل دوری از ریا، حاضر نبودند هنگام ضبط خاطراتشان، خود را معرفی کنند. همچنین از خود و احوالات شخصیشان چیزی نمی‌گفتند و فقط از دوستان شهیدشان یا دلاوری‌های رزمندگان در حین نبرد، خاطره تعریف می‌کردند. در این میان یک اتفاق مهم افتاد و آن این بود که جنگ، که به طور مردمی شروع شده بود، در یک فرایند چند ساله به یک پدیده دولتی تبدیل شد؛ به این معنا که همه کارهای مربوط به جنگ، از جمله تولید تاریخ شفاهی آن، به انحصار دولت درآمد. نهادهای مردمی دیگر برای خود در این زمینه رسالتی قائل نبودند. کما اینکه اکنون در ایران نزدیک به بیست مرکز مختلف به نوعی مشغول انجام پروژه تاریخ

شفاهی انقلاب و علی الخصوص جنگ تحمیلی هستند، اما همه این مراکز، صد در صد وابسته به دولت هستند. در ایران کنونی حتی یک مرکز کاملاً خصوصی در زمینه تاریخ شفاهی جنگ یا تولید آثار مکتوب در این باره، فعال نیست. همین امر باعث شده که تاریخ شفاهی انقلاب و جنگ هشت ساله در ایران وابسته به «دولت» و «قدرت» شود. یعنی مراکز دولتی تعیین کننده خط مشی‌های کلی روند تاریخ شفاهی باشند. مراکزی که به هر حال وابسته به سیاست‌های خاص و محدود کننده دولت، با همه اعمال نظرهای آشکار و پنهان آن، هستند. از منظر فلسفه تاریخ شفاهی، شاید همین دولتی و وابسته به قدرت رسمی شدن، بزرگ‌ترین نقطه ضعف و آسیب تاریخ شفاهی انقلاب و جنگ هشت ساله در ایران باشد.

پرونده ۱ انقلاب

گاهشمار اوج‌گیری انقلاب ۵۷

با آثار و گفتاری از: رضوانه امینیان-داود علی بابایی-آتنا محفوظی-زهره کریمی





به کوشش رضوانه امینیان

سیدمصطفی خمینی فرزند آیت الله روح الله خمینی (ره) در سال 1309 در قم متولد شد. ایشان دارای استعداد فراوانی بود؛ به طوری که، در همان سنین جوانی به درجه اجتهاد نائل شد. سیدمصطفی خمینی از سال 1341 که نهضت آیت الله خمینی آغاز شد، همواره یار و همراه و مشاور ایشان بود. وی پس از جریان 15 خرداد و نیز بار دیگر پس از تبعید پدر بزرگوارشان، به علت اقدامات اعتراض آمیز خود بر علیه رژیم شاه، توسط ساواک دستگیر شد و در نهایت نیز در 13 دی 1343 مأموران رژیم، به خانه او حمله کرده و ایشان را نیز به ترکیه تبعید کردند. ایشان پس از ورود به نجف در کنار برنامه های درسی و علمی، مبارزه را در کنار آیت الله خمینی ادامه دادند. در سال 48 به دنبال یک سلسله فعالیت علیه رژیم بعثی عراق، دستگیر و به بغداد منتقل شدند. سرانجام در نیمه شب اول آبان 1356، آیت الله سید مصطفی خمینی، به شکل مرموزی از دنیا رفتند.

هفدهم دی 1356

راهپیمایی علیه کشف حجاب، چاپ مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات به قلم رشیدی مطلق که قطعاً اسم مستعار بوده است.

نوزدهم دی 1356

قیام مردم قم در اعتراض به چاپ مقاله ایران و استعمار سرخ و سیاه.

دوم بهمن 1356

صدور پیام آیت الله خمینی به مناسبت وقایع 19 دی ماه.

ششم بهمن 1356

رژه اعضای حزب رستاخیز در سالگرد انقلاب سفید.

بیست و نهم بهمن 1356

برپایی مراسم چهل شهدای قم و قیام مردم تبریز.

هشتم اسفند 1356

صدور پیام آیت‌الله خمینی خطاب به ملت تبریز به مناسبت حوادث 29 بهمن.

بیست‌وپنجم اسفند 1356

تحریم جشن‌های نوروز توسط علمای حوزه علمیه قم و نهضت آزادی شاخه خارج از کشور.

چهارم فروردین 1357

انتشار پیام آیت‌الله خمینی به مناسبت اربعین شهدای تبریز.

دهم فروردین 1357

برگزاری مراسم چهل شهدای تبریز، قیام مردم در شهر یزد، اهواز و جهرم.

نوزدهم اردیبهشت 1357

برپایی مراسم چهل شهدای یزد، اهواز و جهرم. گسترش تظاهرات در 21 شهر کشور.

دهم خرداد 1357

سخنان آیت‌الله خمینی در آستانه سالگرد قیام 15 خرداد.

پانزدهم خرداد 1357

سالگرد قیام 15 خرداد و اقدام به اعتصاب عمومی.

بیست‌وهشتم خرداد 1357

اولین سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی.

هشتم تیر 1357

تقسیم حزب رستاخیز به سه جناح سیاسی.

نهم تیر 1357

برگزاری تظاهرات وسیع در شیراز و کرمانشاه.

دوازدهم تیر 1357

تحریم جشن‌های ماه شعبان توسط آیت‌الله خمینی.
(ایشان در پیامی از مردم خواستند تا به عنوان اعتراض جشن‌های سوم و پانزدهم شعبان را برگزار نکنند)

سیام تیر 1357

تبدیل شدن جشن‌های آیینی پانزدهم شعبان به تظاهرات ضد دولتی.

یکم مرداد 1357

درگیری و تیراندازی در صحن حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) در شهر مشهد.

چهاردهم مرداد 1357

سالگرد قیام مشروطه و سخنرانی شاه.

پانزدهم مرداد 1357

آغاز ماه مبارک رمضان و تبدیل مساجد به کانون‌های انقلاب.

بیست و یکم مرداد 1357

اعلام حکومت نظامی در اصفهان، تظاهرات علیه جشن فرهنگ و هنر در شیراز.

بیست و هشتم مرداد 1357

فاجعه سینما رکس آبادان.

پنجم شهریور 1357

استعفای دکتر جمشید آموزگار از نخست‌وزیری و انتصاب مهندس جعفر شریف امامی از سوی شاه به جای وی. اعلام سیاست‌های «دولت آشتی ملی» به وسیله شریف امامی.

هشتم شهریور 1357

چاپ عکس آیت‌الله خمینی برای نخستین بار در صفحه اول روزنامه‌های تهران. مصاحبه شاه با تلویزیون فرانسه.

شانزدهم شهریور 1357

راهپیمایی بزرگ در تهران. انتصاب ارتشبد غلامعلی اویسی به سمت فرمانداری نظامی تهران.

هفدهم شهریور 1357

کشتار وسیع مردم در میدان ژاله (شهدای) تهران.

هجدهم شهریور 1357

اشغال تهران توسط تانک‌ها. استیضاح شریف امامی از سوی مجلس شورای ملی. انتشار پیام آیت‌الله خمینی به مناسبت وقایع 17 شهریور.

دوم مهر 1357

محاصره منزل آیت‌الله خمینی در نجف، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی.

هشتم مهر 1357

تهدید کارکنان اعتصابی دولت توسط فرمانداری نظامی، برگزاری مراسم چهل‌م قربانیان سینما رکس آبادان.

نهم مهر 1357

رفع محدودیت‌هایی که دولت عراق برای آیت‌الله خمینی ایجاد کرده بود، صدور اعلامیه دولت دربارهٔ برخوردگی مخالفان سیاسی خارج از کشور، متلاشی شدن حزب فراگیر رستاخیز و استعفای دکتر جواد سعید دبیر کل آن.

سیزدهم مهر 1357

عزیمت آیت‌الله خمینی به کویت.

چهاردهم مهر 1357

هجرت آیت‌الله خمینی از بغداد به پاریس، بازگشایی دانشگاه‌ها.

نوزدهم مهر 1357

اعتصاب بزرگ کارکنان مطبوعات در اعتراض به سانسور و نظارت دولت.

بیست‌وسوم مهر 1357

پیروزی روزنامه‌نگاران و لغو قانون سانسور.

بیست‌و‌چهارم مهر 1357

چهل‌م شهدای 17 شهریور، حملهٔ چماقداران به مردم در مسجد جامع کرمان.



دوم آبان 1357

آزادی هزار و صد و بیست و شش زندانی سیاسی.

هشتم آبان 1357

اعتصاب کارکنان شرکت ملی نفت.

نهم آبان 1357

آزادی آیت‌الله سید محمود طالقانی و آیت‌الله حسینعلی منتظری از زندان.

دهم آبان 1357

استیضاح شریف امامی

سیزدهم آبان 1357

کشتار دانش‌آموزان، دانشجویان و مردم انقلابی در دانشگاه تهران.

چهاردهم آبان 1357

آتشسوزی بزرگ تهران، استعفای مهندس جعفر شریف امامی از نخست وزیری.

پانزدهم آبان 1357

نخست‌وزیری ارتشبد غلامرضا ازهاری و تشکیل دولت نظامی. پخش نطق عذرخواهانه شاه از تلویزیون.

بیست‌ودوم آبان 1357

رادیو و تلویزیون توسط نظامیان اشغال شد و کارکنان آن اعتصاب کردند. پیوستن کارکنان اداره برق به اعتصابیون.

دوم آذر 1357

تیراندازی ماموران به مردم در حرم مطهر امام رضا (ع).

سوم آذر 1357

انتشار پیام آیت‌الله خمینی به مناسبت کشتار در حرم ثامن‌الائمه (ع) و اعلام تعطیلی و عزای عمومی.

پنجم آذر 1357

اعلام عزای عمومی در سراسر کشور. تقاضای کمک کارکنان اعتصابی مطبوعات از مردم.

هفتم آذر 1357

انتشار لیست اسامی افرادی که مقادیر زیادی «ارز» از کشور خارج کرده بودند توسط کارکنان بانک مرکزی.

ششم آذر 1357

قطع برق در ساعت هشت شب به دست کارکنان اداره برق به منظور جلوگیری از پخش اخبار دولتی.

دهم آذر 1357

آغاز ماه محرم و تظاهرات شبانه بر فراز بام‌ها.

یازدهم آذر 1357

انتشار پیام آیت‌الله خمینی به مناسبت آغاز ماه محرم، تعطیل شدن مدارس به مدت ده روز.

نوزدهم آذر 1357

راهپیمایی بزرگ تاسوعا.

بیستم آذر 1357

راهپیمایی بزرگ عاشورا.

بیست‌وهفتم آذر 1357

اعلام عزای عمومی در کشور. استعفای دسته‌جمعی چند تن از مهندسان پرواز و خلبانان هواپیمای ملی ایران.

چهارم دی 1357

تظاهرات وسیع دانش‌آموزان.

پنجم دی 1357

قطع کامل صادرات نفت.

هشتم دی 1357

تعیین هیئتی از سوی آیت‌الله خمینی برای نظارت بر امر تولید و توزیع نفت.

نهم دی 1357

استعفای ارتشید از هاری از نخست‌وزیری و انتخاب دکتر شاپور بختیار به جای وی.

شانزدهم دی 1357

اعلام سیاست‌های بختیار. کشف یک زندان سیاسی و شکنجه‌گاه در تهران.

نوزدهم دی 1357

افتادن اداره امور شیراز و اردبیل به دست مردم.

بیست و دوم دی 1357

اعلام تشکیل «شورای انقلاب» توسط آیت الله خمینی

بیست و سوم دی 1357

تشکیل اولین جلسه «شورای سلطنت» با حضور شاه.

بیست و ششم دی 1357

خروج شاه و فرح از کشور.

بیست و هفتم دی 1357

انتشار پیام آیت الله خمینی در مورد رفتن شاه و دعوت مردم به راهپیمایی روز اربعین. اعلام آمادگی ولیعهد برای عهده دار شدن حکومت.

بیست و نهم دی 1357

راهپیمایی بزرگ روز اربعین.

سیام دی 1357

سفر رئیس شورای سلطنت به فرانسه و تقاضای ملاقات با رهبر انقلاب.



یکم بهمن 1357

استعفای سیدجلال‌الدین تهرانی از ریاست شورای سلطنت و غیرقانون خواندن این شورا. پیوستن گروه‌هایی از نظامیان به مردم. استعفای بعضی از نمایندگان و وزرا. تهدید امام توسط شاه.

دوم بهمن 1357

رواج آموزشهای نظامی و ساخت بمبهای دستی بین مردم. شدت یافتن فرار سربازان از پادگان‌ها.

سوم بهمن 1357

افتادن اداره امور شهر قم به دست مردم. تشکیل کمیته استقبال از آیت‌الله خمینی. رژه سربازان گارد سلطنتی در پادگان لویزان.

چهارم بهمن 1357

محاصره مهرآباد توسط تانک‌ها. تدارک مراسم استقبال از امام.

پنجم بهمن 1357

بسته‌شدن فرودگاه به مدت سه‌روز. تظاهرات طرفداران دولت بختیار.

ششم بهمن 1357

تضمین امنیت فرود هواپیمای حامل امام از سوی کارکنان هواپیمایی. شدت یافتن درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی در سطح کشور.

هفتم بهمن 1357

لغو تمام مرخصی‌ها و آماده‌باش تمام نیروهای مسلح.
اعلام سفر بختیار به پاریس و پاسخ آیت الله خمینی به او.

هشتم بهمن 1357

تجمع مردم در اطراف فرودگاه مهرآباد. تحصن روحانیون در دانشگاه تهران.

نهم بهمن 1357

بختیار: در راه بازگشت امام به کشور مانعی نیست. افزایش درگیری‌های خونین در سطح کشور.

دهم بهمن 1357

بازگشایی فرودگاه‌های کشور. موج فرار آمریکایی‌ها از ایران.

یازدهم بهمن 1357

اعلام برنامه‌های کمیته استقبال. آمادگی سراسری مردم برای استقبال از رهبر انقلاب.

دوازدهم بهمن 1357

بازگشت پیروزمندان آیت‌الله خمینیبه میهن پس از سال‌ها تبعید.

سیزدهم بهمن 1357

دیدار گروه‌های مختلف مردم با آیت‌الله خمینی. ادامه درگیری‌های شدید در شهرهای کشور.

چهاردهم بهمن 1357

استعفای شهردار تهران و انتصاب دوباره او از سوی آیت‌الله خمینیبه همان سمت.

پانزدهم بهمن 1357

اعتصاب کارکنان نخست‌وزیری. بازداشت بسیاری از وزراء و کارمندان عالیرتبه دولت به جرم فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال توسط دولت بختیار.

شانزدهم بهمن 1357

انتخاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت از سوی رهبر انقلاب.

هفدهم بهمن 1357

تظاهرات گسترده به حمایت از بازرگان در سطح کشور. حذف سوگند

وفاداری به شاه از مراسم قسم سربازی، خروج ژنرال هایزر از ایران.

هجدهم بهمن 1357

تجمع طرفداران بختیار در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) و آغاز کار کانال تلویزیونی انقلاب.

نوزدهم بهمن 1357

رژه عده زیادی از همافران و افراد نیروی هوایی در مقابل آیت الله خمینی.

بیستم بهمن 1357

اعلام سیاستها و وظایف دولت موقت توسط مهندس مهدی بازرگان. درگیری شدید میان همافران و دانشجویان نیروی هوایی و افراد گارد جاویدان.

بیست و یکم بهمن 1357

دستیابی مردم به اسلحهخانه نیروی هوایی و شدت یافتن درگیری مسلحانه مردم و نظامیان. انتشار متن فتوای امام مبنی بر باطل بودن قسم وفاداری ارتشیان به شاه. اعلام منع عبور و مرور از ساعت چهارونیم بعدازظهر. انتشار حکم امام درباره ماندن مردم در خیابانها. پیوستن نیروی دریایی و هوایی به مردم.

بیست و دوم بهمن 1357

اعلام بیطرفی ارتش. سقوط حکومت 2500 ساله شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران.